

فضیلت شب قدر

<?xml encoding="UTF-8?">

اشاره

«شب قدر» شبی است که در آن قرآن بر پیامبر عظیم الشان اسلام نازل شده است و فضیلت عبادت در این شب از تمام شبها بیشتر است. در این شب مقدرات یک سال انسان معین می گردد. از با فضیلت ترین اعمال در چنین شبی «احیاء» می باشد که به معنای پاس داشتن یک شب تا صبح است. پس جا دارد که در چنین شبی انسان از اعمال زشت خود استغفار نماید چرا که شب توبه است و خداوند در آن بندگان را مورد اکرام خاص خود قرار می دهد. لسان الغیب سروده است:

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

هاتف آن روز به من مژده این دولت داد

که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند

بر آنیم تا دراین مقاله به بررسی فضیلت این شب بزرگ در آیات، روایات و سیره علما بپردازیم.

شب قدر در آینه آیات قرآن

به جرئت می توان گفت برجسته ترین آیات قرآن در مورد شب قدر و فضیلت آن که است که خداوند متعال می فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. و از شب قدر چه آگاهت کرد. شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. در آن شب فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری که مقرر شده است فرود می آیند. آن شب تا دم صبح صلح و سلام است».

از جمله دلایل فضیلت شب قدر بلکه والاترین جنبه فضیلت آن نزول قرآن کریم در این شب می باشد که به صورت یک باره بر قلب مقدس پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نازل گردید و در بقیه عمر مبارک ایشان به صورت تدریجی انجام گرفت. قرآن کریم یکی از علل فضیلت ماه رمضان را همین معنا برشمرده و می فرماید: (شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان)؛ «ماه رضانی که قرآن را در آن فرو فرستادیم؛ کتابی که مردم را راهبر و متضمن دلایل آشکار هدایت و میزان تشخیص حق از باطل است».

قرآن کریم علت دیگر فضیلت این شب بزرگ را تعیین مقدرات انسان قلمداد نموده و می فرماید: (اَنَّا انزلناه فی لیلۃ مبارکۃ اَنَّا کُنَّا منذرین - فیها یفرق کل امر حکیم)؛ «ما قرآن را در شبی فرخنده نازل کردیم؛ زیرا که هشدار دهنده بودیم. پس در آن شب هر کاری محکم و استوار می شود».

شب قدر در آینه روایات معصومین

وجه تسمیه شب قدر

نوعاً در ادبیات دینی ما هر یک از آموزه های اسلامی دارای وجهی برای نام گذاری است و تسمیه آن برخاسته از یک ویژگی یا یک علقه معنایی است که بین اسم و معنای آن وجود دارد. به عنوان نمونه احادیث نسبتاً زیادی در مورد وجه تسمیه «رمضان» وجود دارد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی فرمود: (انما سمی رمضان لانه یرمض الذنوب)؛ «رمضان رمضان نامیده شد که گناهان را از بین می برد». نیز در جایی دگر فرمود: (سمی رمضان لشدة الحر)؛ «از آن رو رمضان به خاطر شدت گرما رمضان نامیده شد». در مورد نام گذاری شب قدر نیز امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل گشته است و در این ماه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) وحی شده و در آن شب قدر است؛ شبی که از هزار ماه بالاتر است. در آن شب هر کاری محکم و برقرار می شود و مسائلی که در طول سال از نیکی و بدی، سود و زیان، روزی و زندگی و مرگ وجود دارد رقم زده می شود و به همین جهت است که «قدر» نامیده شده است».

برتری بر هزار ماه

آن گونه که به نحو اشاره گذشت و در آیات قرآن نیز بدان اذعان شده است شب قدر از هزار ماه برتر می باشد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در این زمینه می فرماید: (قد جاءکم شهر رمضان مبارک شهر فرض الله علیکم صیامه تفتح فیہ ابواب الجنان و تُغَلُّ فیہ الشیاطین فیہ لیلة القدر التي خیر من الف شهر من حرمها فقد حُرِم)؛ «ماه رمضان فرا رسیده ماهی با برکت که خدا روزه اش را بر شما واجب گردانید. درهای بهشت در این ماه باز می شود و شیاطین در غل و زنجیرند در این ماه شب قدر است که فضیلت آن از هزار ماه بیشتر است. در حقیقت محروم کسی است که از برکات آن شب محروم باشد».

آثار شب قدر

شب قدر بهترین فرصت برای طلب بخشش و آمرزش گناهان از خداوند است و پروردگار در این شب عنایت ویژه ای به بندگان خود دارد و در واقع آن را بهانه ای جهت آمرزش بندگان خود قرار داده است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در روایتی وجود شب قدر را غایت لطف خدا به امت خویش برشمرده، می فرماید:

«به امت من در ماه رمضان پنج چیز داده شده که به امت هیچ پیغمبری پیش از من داده نشده است. اما عطای اول: هر گاه شب اول ماه رمضان فرا رسد خداوند به سوی بندگان نظر می کند و کسی که خدا به او نظر کرده تا ابد عذاب نمی شود. دوم: بوی بد دهان آنان که در نزد خدا شب زنده داری می کنند خوشبوتر از بوی مشک می شود. سوم: ملائکه برای ایشان در شب و روز استغفار می کنند. چهارم: همانا خداوند عزوجل بهشت خویش را امر می کند که استغفار کند و تزیین شود برای بندگان. پس چه نزدیک است که سختیهای دنیا آنها را در خود فرو برد و می روند به سوی بهشت و کرامت من. پنجم: پس هر گاه شب آخر فرا رسد خداوند همه بندگان را می آمرزد».

مردی گفت: یا رسول الله در شب قدر؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مگر نمی دانی که کارگران هر گاه کارشان تمام شود، مزد به آنها می دهند».

هم چنین روزه داران در دعای روز قدر به درگاه خدا دست بلند کرده و می خوانند: (اللهم ارزقنی فیہ فضل لیلة

القدر و صیّر اموری فيه من العسر الى اليسر و اقبل معاذیری و حطّ عَنّي الذنب و الوزر یا رثوفا بعباده الصالحین)؛ «بار خدایا! فضل شب قدر را در این روز بر من روزی کن و کارهایم را از سختی به آسانی و گردان و عذرم را بپذیر و گناهانم را بریز ای مهربان به بندگان نیکوکار».

علامت شب قدر

اگر چه در مورد شب قدر سؤالهایی وجود دارد و به طور مشخص معلوم نیست که دقیقاً چه شبی از سال می باشد اما در بین سه شب قدری که وجود دارد احتمال شب سوم بیشتر است. در مورد نشانه های شب قدر و تفاوت آن با دیگر شبهای سال نیز روایاتی وجود دارد. محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر (علیه السلام) درباره علامت شب قدر پرسیدم، فرمود: «علامت شب قدر این است که بوی خوش از آن پخش می شود. اگر در سرمای زمستان باشد گرم و ملایم و اگر در گرمای تابستان باشد خنک و معتدل و نیکو خواهد بود». امام صادق (علیه السلام) نیز در روایت دیگری روز آن را از نظر لطافت آب و هوایی مانند شبش دانسته و می فرماید: (لیلة القدر فی کل سنة و یومها مثل لیلتها)؛ «شب قدر در هر سالی هست و روز آن مانند شبش نیکوست».

در خواست های شب قدر

در برخی از مواقع هنگامی که فرد مسلمان با یک موقعیت زمانی یا مکانی ویژه جهت استجابت دعا واقع می شود زبانش از بیان خواسته ها قاصر مانده و نمی داند از خالق خویش چه بخواهد. این مسئله دلایل گوناگونی می تواند داشته باشد. گاه از فرط نشاط و بساطت روح است، گاه از درک بزرگی توفیقی است که نصیبش شده که حتی در بین انبیا نیز دیده می شود. سؤال حضرت موسی (علیه السلام) در این شب عزیز از خداوند از این نوع است

او به خدای خود عرضه داشت:

«خدایا! می خواهم به تو نزدیک شوم. فرمود: قرب من برای کسی است که شب قدر بیدار باشد. گفت: خدایا! رحمتت را می خواهم. فرمود: رحمتم از آن کسی است که در شب قدر به مسکینان رحمت کند. گفت: خدایا! جواز گذشتن از پل صراط را می خواهم. فرمود: آن از آن کسی است که در شب قدر صدقه ای بدهد. گفت: خدایا! از درختان و میوه های بهشتی می خواهم. فرمود: آنها برای کسی است که در شب قدر مرا به پاکی یاد کند. گفت: خدایا! رهایی از آتش جهنم را می خواهم. فرمود: آن برای کسی است که از گناهانش در شب قدر استغفار کند. گفت: خدایا! خشنودی تو را می خواهم. فرمود: خشنودی من از آن کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بخواند».

در برخی موارد نیز فرد به راستی نمی داند که در این موقعیت بزرگ چه چیز از خدای خود بخواهد. در این زمینه روایتی وجود دارد که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) صریحاً مشخص فرمود که در شب قدر باید از خدا چه چیزی خواست.

(قیل للنبی (صلی الله علیه و آله) ان اردکت لیلة القدر فما اسأل ربی؟ قال (صلی الله علیه و آله): العافیة؛ از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سؤال شد که اگر شب قدر را درک کردیم از خدا چه بخواهم؟ فرمود: سلامتی بخواهید».

عظمت شب قدر در سیره معصومان (علیهم السلام)

روزی شخصی خدمت یکی از حضرات معصومان (علیهم السلام) سخن از شبهای مبارک رمضان و لیالی قدر به میان می آورد و از فضیلت آن را از حضرت سؤال می کند. حضرت شروع به شمردن خصایص و فضایل شب قدر می نماید. شخصی در مجلس حضور داشت و با شنیدن آن آه حسرتی کشید که چرا شب قدر را به غفلت گذرانیده است.

حضرت به او رو کرد و فرمود: «پاداش تو از همه آن کسانی که دیشب (شب قدر) را تا صبح بیدار بودند و عبادت کردند بیشتر است؛ زیرا در آن شب تو آب نوشیدی و یاد از لب تشنه ابا عبدالله کردی و گفتی: سلام بر حسین و لعنت بر قاتلان او. همین مسئله سبب شد که بهترین عبادت را در نامه عملت بنویسند».

یک داستان

«عبدالله نیشابوری» می گوید: بین من و «حمید بن قحطبه» رفاقتی بود. در ماه رمضان روزی از نیشابور به طوس رفتم. حمید بن قحطبه که حاکم طوس بود از آمدن من با اطلاع شد و شبی از شبهای قدر ماه رمضان، مرا به خانه خود دعوت نمود. قبل از افطار به خانه او رفتم. وقتی که وارد شدم دیدم برای پذیرایی از من سفره ای انداخت و غذایی آماده کرد. من تعجب کردم. حمید به من غذا تعارف کرد و من به او گفتم: من نه مریض هستم، نه مسافر و نه علیل و بی جهت روزه خود را باز نمی کنم. از او پرسیدم چرا او روزه نمی گیرد. امیر شروع به گریه نمود. من تعجب کردم و علت گریه او را پرسیدم. او گفت:

وقتی که هارون الرشید در طوس بود، شبی مرا طلبید. نزد او رفتم و دیدم که خشمگین ایستاده و شمشیر برهنه ای در دست اوست. به من گفت: اطاعت تو از من چقدر است؟ جواب دادم: با نفس و مال از تو حمایت می کنم. آن گاه مرا مرخص نمود. هنوز بیرون نرفته بودم که مجدداً مرا خواست و با همان حالت بلکه خشمگین تر همان سؤال را از من پرسید. من گفتم: من با جان و مال و اهل و اولاد از تو اطاعت می کنم. سپس اذن مراجعت به من داد.

وقتی که به منزل خود رسیدم غلامش را دنبالم فرستاد و گفت: خلیفه تو را فراخوانده است. برای بار سوم به دربار رفتم و او باز همان سؤال را از من کرد. من برای رضای خاطر و اطمینان او گفتم: من با جان و مال و فرزندان و دینم از تو حمایت می کنم. این را که گفتم خندید و به من گفت: این شمشیر را بگیر و هر جا که این غلام رفت برو و هر چه به تو امر کرد، امر من است.

غلام مرا با خود به زندانی برد که در یکی از سیاه چالهای مخوف آن بیست نفر از سادات علوی زندانی بودند. از موهای بلند آنان معلوم بود که مدت زیادی است که زندان هستند. غلام رو به من کرد و گفت: فرمان امیرالمؤمنین این است که این بیست نفر را گردن بزنی. من هم اطاعت کردم و آنها را یک به یک گردن زدم و او بدن آنها را در میان چاهی انداخت. سپس به سیاه چالی دیگر رفتیم که در آنجا نیز بیست نفر از سادات بنی الزهرا زندانی بودند که همگی لاغر و نحیف شده بودند. غلام به من رو کرد و گفت: دستور خلیفه این است که اینها را هم گردن بزنی. اطاعت کردم و آنها را نیز گردن زدم و غلام دوباره بدنهای آنها را به چاه انداخت.

بعد به سیاه چال تاریک دیگری رفتیم که در آن نیز بیست زندانی از سادات وجود داشت و مأمور شدم که آنها را نیز بکشم. اما نفر آخر پیرمردی بود که بدن لاغر و موهای بلندی داشت. وقتی خواستم او را بکشم به من گفت: مرگ بر تو ای رو سیاه! فردای قیامت جواب جدم علی و مادرم فاطمه را چه خواهی داد؟ بدنم لرزید اما بالاخره او

را هم کشتم و غلام بدنش را به چاه انداخت. حالا تو بگو دیگر نماز و روزه و شب زنده داری به درد من می خورد؟».

احیاء و شب قدر در سیره علماء و بزرگان

حاج محمد ابراهیم کلباسی «ره»

آورده اند که «حاج محمد ابراهیم کلباسی» که از معاصران «میرزای قمی» و «سید شفتی» و از شاگردان «بحر العلوم» و... بود شب قدر را با عبادت ادراک می کرد؛ زیرا مدت یک سال هر شب را تا صبح عبادت می کرد و معلوم است که شب قدر از شبهای سال بیرون نیست.

آقا سید علی صاحب ریاض «ره»

«صاحب ریاض» در راه علم محنت بسیار کشید. مشهور است که آن جناب علم را به گریه و زاری و مناجات از درگاه باری تعالی تحصیل نموده؛ زیرا ظاهراً مدّت تحصیلش آن قدر نبود که بتوان به این مرتبه بلند رسید و می گویند وی شبهای جمعه را تا صبح احیاء می کرد و به عبادت خداوند متعال مشغول بود.

ملا محمد تقی برغانی «ره»

در احوال ایشان چنین نوشته اند: «عبادت آن جناب چنان بود که همیشه به خصوص در شبهای ماه مبارک رمضان از نصف شب تا طلوع صبح صادق به مسجد خود می رفت و تا صبح به مناجات و ادعیه و تضرع و زاری و تهجد اشتغال داشت و مناجات «خمس عشره» را از حفظ می خواند و بر این روش و شیوه پسندیده استمرار داشت تا همان شب که شربت شهادت نوشید. مکرر در فصل زمستان دیده می شد که در پشت بام مسجد خود در حالی که برف به شدت می بارید در نیمه شب پوستینی بر دوش و عمامه ای بر سر داشت و مشغول تضرع و مناجات بود و با حالت ایستاده و دستها را به سوی آسمان بلند کرده تا اینکه برف سراسر قامت مبارکش را از سر تا پا سفیدپوش می کرد».

آقا سید صدر الدین عاملی اصفهانی «ره»

مرحوم «شیخ عباس قمی» در شرح حال این عالم بزرگوار می نویسد: «... این سید جلیل، بگّاء و کثیرالمناجات بود. نقل شده که شبی از شبهای قدر داخل حرم امیر مؤمنان (علیه السلام) شد. بعد از زیارت، نشست پشت سر ضریح مقدس و شروع کرد به خواندن دعای «ابوحمزه ثمالی». همین که شروع کرد به کلمه «الهی لا تؤدبني بعقوبتك» گریه او را فرا گرفت و پیوسته این کلمه را مکرر کرد و گریه کرد تا غش کرد و او را از حرم مطهر بیرون آوردند».

پی نوشت ها :

2. سوره دخان (44) آیه 3.
3. میزان الحکمة، ج 4، ص 176.
4. بحار الانوار، ج 55، ص 341.
5. همان، ج 93، ص 370.
6. التهذيب، ج 4، ص 152.
7. بحار الانوار، ج 93، ص 364.
8. وسائل الشیعه، ج 7، ص 256.
9. همان، 262.
10. مستدرک الوسائل، ج 7، ص 456.
11. همان، ج 7، ص 457.
12. حدیقة الشیعة، ص 508.
13. منتخب التواریخ، ص 460 به نقل عیون اخبار الرضا.
14. قصص العلماء، ص 73.
15. وحید بهبهانی، ص 192.
16. نجوم السماء، ص 408.
17. سیمای فرزانهگان، ص 163.